

Roozbeh Balounejad Nouri¹  Mozhgan Rafat Milani² 

1. Assistant Professor, Economic Affairs Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding Author).
roozbeh_noury@yahoo.com

2. PhD of Economics, Researcher in Economic Affairs Research Institute, Tehran, Iran. mo_milani@yahoo.com

Abstract

The confluence of global crises, including rising energy and food prices, the COVID-19 pandemic, and climate change, has disrupted markets worldwide, disproportionately impacting vulnerable populations, particularly low-income households. This study examines the policy responses adopted by various countries to mitigate these socioeconomic challenges, focusing on the experiences of Iran. Utilizing data from the International Monetary Fund (IMF) for 2022, the analysis categorizes policy measures into four distinct groups: expenditure-based, income-based, non-financial (other classification), and bottom-line approaches. Comparative analyses reveal significant variations in policy responses. Countries without substantial natural resources have implemented a wider range of policy measures compared to resource-rich nations. Furthermore, expenditure-based and income-based measures were the most frequently employed across countries lacking abundant natural resources. A comparative analysis of Iran's policy responses with those of other Middle Eastern countries indicates that only Iraq has implemented all four categories of policy measures.

Keywords: Policy Measures, Food Prices, Energy Prices, Iran's Economy, Policy Measures.

JEL Classification: O18, L66, P28

Doi: 10.22034/eaai.2024.2038338.1034

Article history:

Receive Date: 14 August 2024

Revise Date: 23 September 2024

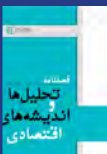
Accept Date: 25 November 2024

Publish Date: 18 December 2024



© The Author(s).

Citation: Balounejad Nouri, R. & Rafat Milani, M. (2024). A Comparative Study of Countries' Policy Measures to Deal with the Global Increase in Food and Energy Prices: Lessons for Iran's Economy. *Quarterly Journal Economic Analysis and Ideas*, 1 (2), 65-88.



مطالعه تطبیقی اقدامات سیاستی کشورها به منظور مقابله با افزایش جهانی قیمت مواد غذایی و انرژی: درس‌هایی برای اقتصاد ایران

پژوهشکده
اقتصادی و مالی
وزارت امور اقتصادی و دارایی

روزبه بالونزاد نوری^۱، مرگان رفعت میلانی^۲

۱- استادیار گروه اقتصاد، پژوهشکده امور اقتصادی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، roozbeh_noury@yahoo.com

۲- دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگر پژوهشکده امور اقتصادی، تهران، ایران. mo_milani@yahoo.com

چکیده

افزایش قیمت‌های جهانی انرژی و مواد غذایی در کنار اثرات نامطلوب ناشی از همه‌گیری بیماری کرونا و تغییرات اقلیمی، بازار کشورهای مختلف را به عدم تعادل سوق داد. این موضوع، پیامدهای منفی بر اقشار مختلف به‌ویژه افراد با درآمد پایین نیز به همراه داشته و کشورهای مختلف را مجبور به اتخاذ سیاست‌های مختلفی نموده است. ایران نیز در چند سال اخیر از این تحولات مصون نبوده است؛ از این رو به منظور شناسایی اقدامات قابل اجرا در ایران، در این مطالعه اقدامات سیاستی کشورهای مختلف با استفاده از بانک داده‌های صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که کشورهای مختلف در مجموع چهار اقدام سیاستی شامل: روش‌های مبتنی بر مخرج، درآمدی، غیرمالی (طبقه‌بندی سایر) و زیر خط را به کار گرفته‌اند. همچنین، مقایسه سیاست‌های کشورهای دارای منابع طبیعی با کشورهای فاقد منابع طبیعی و همچنین کشورهای منطقه خاورمیانه با ایران در استفاده از انواع روش‌های اقدامات سیاستی، نشان داد کشورهای فاقد منابع در مقایسه با کشورهای دارای منابع طبیعی تمایل بیشتری به استفاده از اقدامات سیاستی داشته‌اند و در این میان نیز بیشترین سیاست به کار گرفته شده، اقدام مخرج و اقدام درآمدی بوده است. همچنین مطالعات اقدامات سیاستی ایران و کشورهای منطقه خاورمیانه نیز نشان داد که در این کشورها، تنها کشور عراق از هر چهار روش اقدام استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: اقدامات سیاستی، قیمت مواد غذایی، قیمت انرژی.

شناسه دیجیتال: 10.22034/eaai.2024.2038338.1034

طبقه بندی JEL: O18, L66, P28

سابقه مقاله:



© The Author(s).



تاریخ دریافت: ۲۴ مرداد ۱۴۰۳ تاریخ بازنگری: ۲ مهر ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۵ آذر ۱۴۰۳ تاریخ انتشار: ۲۸ آذر ۱۴۰۳

استاددهی: بالونزاد نوری، روزبه و رفعت میلانی، مرگان، (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی اقدامات سیاستی کشورها به منظور مقابله با افزایش جهانی قیمت مواد غذایی و انرژی: درس‌هایی برای اقتصاد ایران. فصلنامه تحلیلی‌ها و اندیشه‌های اقتصادی، ۱ (۲)، ۶۵-۸۸.

۱- مقدمه

افزایش قیمت‌های جهانی انرژی و مواد غذایی، یک شاخص مهم در افزایش هزینه‌های زندگی است که در حال حاضر، هم در کشورهای پیشرفته و هم در اقتصادهای نوظهور مورد توجه قرار گرفته است (آماقلوبلی^۱، ۲۰۲۳). امروزه، بسیاری از کشورهای جهان از یک سو، تحت تأثیر پیامدهای ناشی از شیوع ویروس کرونا و تغییرات اقلیمی و از سوی دیگر، با افزایش تقاضا و مشکلات در تأمین کالا و حمل‌ونقل و ... مواجه هستند که همگی این عوامل، منجر به افزایش قیمت جهانی مواد غذایی و انرژی در جهان شده است. علی‌رغم تعدیل نسبی قیمت‌ها، قیمت‌های جهانی محصولات اصلی مانند انرژی و مواد غذایی همچنان بالا است. با توجه به سهم بالای غذا در سبد مصرفی خانوارها و جانشینی محدود آن با سایر کالاها، افزایش قیمت مواد غذایی می‌تواند اثر قابل توجهی بر خانوارهای با درآمد پایین داشته باشد.

افزایش شدید قیمت‌های مواد غذایی و انرژی در مقیاس کلان، یک تهدید برای توسعه جهانی محسوب می‌شود. در واقع روند افزایش سریع قیمت این دو نوع کالا، منجر به افزایش قابل توجه فقر، کاهش سطح تغذیه و محدود شدن بهره‌مندی از خدماتی چون آموزش و بهداشت می‌شود که همه این موارد، اثر منفی بر رشد اقتصاد جهانی در آینده دارد (ایوانیک و مارتین^۲، ۲۰۱۴). نتایج مطالعات تجربی نشان داده است که افزایش قیمت جهانی مواد غذایی و انرژی باعث کاهش رفاه بیشتری در دهک‌های درآمدی پایین نسبت به دهک‌های ثروتمند شده و امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان برای کشورهای در حال توسعه، قیمت‌های بالاتر همراه با ناامنی غذایی بیشتر خواهد بود؛ زیرا کاهش صادرات غلات و سایر کالاها بزرگ‌ترین تهدید برای این مناطق است (ایدریسو و آلاگیدده^۳، ۲۰۲۰).

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در کشورهای مختلف، انتظار می‌رود افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی در بازارهای جهانی به قیمت‌های داخلی در کشورها انتقال یابد. به‌ویژه اینکه تأثیرپذیری از بازارهای جهانی در کشورهایی که واردکننده مواد غذایی بوده و از تورم بالایی برخوردارند نیز بیشتر است. از این رو، دولت‌ها تلاش دارند تا با تدوین و اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی و مداخلات مستقیم، تأثیر عوامل ایجاد تنش در بازار مواد غذایی را تقلیل

1. Amaghlobeli et al.

2. Ivanic & Martin

3. Iddrisu & Alagidede

دهند (لابرده و همکاران^۴، ۲۰۱۹). در این راستا، طی سال‌های اخیر، اقدامات سیاستی توسط دولت‌ها با هدف کاهش اثرات نامطلوب افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی بر خانوارها و بنگاه‌ها به کار گرفته شده است. با توجه به اینکه طی سال‌های اخیر، کشور ایران نیز از تحولاتی همچون تغییرات اقلیمی، شیوع ویروس کرونا و آثار جنگ روسیه و اوکراین و ... مصون نبوده و به‌ویژه افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی، اقشار کم‌درآمد را تحت تأثیر قرار داده است، از این رو به‌منظور شناسایی اقدامات سیاستی قابل اجرا در ایران، در این مطالعه مداخلات سیاستی کشورهای مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا از این مسیر امکان تصمیم‌سازی بهتر برای سیاست‌گذاران فراهم شود.

بر این اساس، ابتدا مبانی نظری شامل روند قیمت جهانی مواد غذایی و انرژی و عوامل مؤثر بر افزایش قیمت آن‌ها بررسی و سپس به پیشینه مطالعات (داخلی و خارجی) در این زمینه پرداخته خواهد شد. در بخش سوم، تجربه کشورهای منتخب با استفاده از روش‌های مداخله اقدامات سیاستی مقایسه و اقدامات سیاستی این کشورها برای کاهش اثرات منفی افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی معرفی خواهند شد. درنهایت، واکنش‌های سیاستی ایران، بررسی و پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- ادبیات نظری

آغاز قرن بیست و یکم با تورم پایین و پایدار در سراسر جهان همراه بود. این وضعیت از اوایل دهه ۲۰۰۰ و به‌ویژه از سال ۲۰۰۶ به دلیل نوسانات قیمت کالاهای، به‌ویژه قیمت مواد غذایی و انرژی، تهدید شد و باعث نگرانی سیاست‌گذاران گردید (پاکر^۵، ۲۰۱۷). در حوزه مواد غذایی، قیمت هر تن گندم از ۱۰۵ دلار در ژانویه سال ۲۰۰۰ به ۱۶۷ دلار در ژانویه سال ۲۰۰۶ و سپس به ۴۸۱ دلار در مارس سال ۲۰۰۸ رسید. در واقع، افزایش قیمت جهانی مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ میلادی به سطح بی‌سابقه‌ای رسید اما پس از بحران مالی جهانی، قیمت مواد غذایی کاهش و به‌طور مجدد در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ به شدت افزایش پیدا کرد. در اواسط سال ۲۰۱۲ این روند افزایشی ادامه یافت و حتی از نقاط اوج خود در سال ۲۰۰۸ گذشت. طی سال‌های اخیر نیز، جنگ میان روسیه و اوکراین، افزایش قیمت غلات و در نتیجه قیمت مواد غذایی را تسریع و

4. Laborde et al.

5. Parker

تشدید کرد؛ زیرا هر دو کشور، سهم قابل توجهی در تجارت جهانی گندم و ذرت و برخی از اقلام غذایی دیگر دارند. علاوه بر این طی این سال‌ها، تغییرات اقلیمی و شیوع ویروس کرونا نیز از دیگر عوامل افزایش قیمت جهانی مواد غذایی محسوب شدند (آماقلوبلی، ۲۰۲۳).

در حوزه انرژی، شیوع ویروس کرونا در اواخر سال ۲۰۱۹ در چین و گسترش تدریجی اپیدمی، تقاضا و قیمت نفت خام را به شدت کاهش داد؛ اما طی سال ۲۰۲۲ تحولات اثرگذار زیادی در بازار انرژی جهان شکل گرفت که یکی از مهم‌ترین این عوامل جنگ میان روسیه و اوکراین بود. در واقع، با بهبود اقتصاد جهانی پس از همه‌گیری کووید-۱۹ و تشدید جنگ میان این دو کشور، قیمت‌های جهانی انرژی افزایش پیدا کرده بود. طی سال‌های اخیر، ترس از رکود اقتصاد جهانی باعث کاهش قیمت‌های انرژی شد؛ با این حال، کاهش قیمت نفت آهسته‌تر از شوک قیمت نفت در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بود. در سال ۲۰۲۱، با افزایش قیمت انرژی (مانند نفت و گاز طبیعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق هزینه‌های حمل‌ونقل بالاتر) و مواد غذایی به دلیل ترکیبی از عوامل از جمله بهبود پس از کووید-۱۹، مسائل زنجیره تأمین و جنگ میان روسیه و اوکراین، تورم بسیار افزایش یافت. از آغاز سال ۲۰۲۲، قیمت گاز طبیعی بیش از سه برابر و قیمت نفت خام بیش از دو برابر شد، همچنین قیمت ذرت و گندم نیز افزایش یافت. این امر، متوسط هزینه جهانی زندگی را افزایش داد (کستل و همکاران^۶، ۲۰۲۲).

افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی یکی از محرک‌های اصلی تورم بوده و تأثیر نسبی آن‌ها در افزایش قیمت‌ها به‌طور پیوسته و مداوم در کشورهای مختلف به‌طور قابل توجهی متفاوت است. افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی، هزینه زندگی خانوارها را افزایش و در نتیجه درآمد واقعی آن‌ها را کاهش می‌دهد. با این حال، تأثیر افزایش هزینه‌های زندگی یکسان نیست و به گروه‌های درآمدی خاصی در کشورها آسیب بیشتری نسبت به سایرین وارد می‌کند (آماقلوبلی، ۲۰۲۳). افزایش نرخ تورم در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در زمینه انرژی و مواد غذایی، مشکلات مالی جدی را به‌ویژه برای خانوارهای کم‌درآمد با سهم مخارج بالا در این اقلام ایجاد کرد (کستل و همکاران، ۲۰۲۲). به‌طوری که بسیاری از این کشورهای کم‌درآمد سطوح بالای قیمت، کسری تجاری و محیط‌های اقتصاد کلان ناپایدار را تجربه کردند (دوروال و همکاران^۷، ۲۰۱۳).

6. Castle et al.

7. Durevall et al.

در سراسر کشورها، سهم بودجه تخصیص یافته به مواد غذایی به طور متوسط در کشورهای کم درآمد و کشورهای در حال توسعه بیشتر از اقتصادهای نوظهور یا پیشرفته است (نمودار ۱). مصرف مواد غذایی به طور متوسط حدود ۴۴ درصد (و در برخی موارد بیش از ۶۰ درصد) مصرف خانوارها در کشورهای کم درآمد و در حال توسعه را تشکیل می دهد. این در مقایسه با سهم ۲۷ درصد در اقتصادهای نوظهور و ۱۶ درصد در اقتصادهای پیشرفته است (آماقوبلی، ۲۰۲۳). از این رو، این موضوع یکی از مهم ترین دغدغه ها در اکثر کشورها است که لزوم شناسایی عوامل تأثیرگذار بر افزایش قیمت جهانی مواد غذایی و انرژی را به عنوان یکی از مسائل مهم پیش روی دولت ها پررنگ می نماید. مطالعات متعددی تلاش کرده اند تا به دلایل اصلی این موضوع بپردازند. این مطالعات معمولاً ترکیبی از عوامل شامل روندهای بلندمدت اقتصادی و جمعیتی همراه با مشکلات کوتاه مدت، مانند تغییرات اقلیمی، سفته بازی، قیمت های بالای نفت و ممنوعیت های صادراتی، قیمت واردات مواد غذایی، نوسان های تولید، قیمت انرژی و کود شیمیایی، سرمایه گذاری در پژوهش و توسعه، تغییر ساختاری تقاضای جهانی، تولید سوخت های فسیلی، کشتش های بازار را شناسایی کرده اند (دوروال و همکاران، ۲۰۱۳).

نمودار (۱): سهم مواد غذایی در سبد مصرفی و تولید ناخالص داخلی سرانه



منبع: پایگاه داده IMF CPI و IMF WEO

با توجه به اهمیت موضوع، کشورهای منتخب اقدامات سیاستی در مواجهه با افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی را به کار گرفته اند که البته با در نظر گرفتن اصول کلیدی اعمال می شود. این اصول حول چهار محور (۱) واکنش تقاضا و عرضه (۲) کاهش بار خانوارهای فقیر و آسیب پذیر (۳)

اطمینان از سازگاری با سایر سیاست‌ها، از جمله نیاز به ثبات اقتصاد کلان (۴) ملاحظات اقتصاد سیاسی (قدرت شبکه ایمنی اجتماعی، در دسترس بودن فضای مالی، ماهیت سازوکارهای تعیین قیمت داخلی موجود، ظرفیت نهادی، تهدیدات کمبود مواد غذایی و انرژی، سرریزهای احتمالی در بازارهای بین‌المللی و ...) در نظر گرفته می‌شود (آماق‌لوبلی، ۲۰۲۳).

۲-۲- پیشینه تحقیق

۲-۲-۱- مطالعات خارجی

آماق‌لوبلی و همکاران^۸ (۲۰۲۳) در گزارشی اقدامات سیاست‌گذاری را با توجه به پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و غذا (DEFPA) که بر اساس دو دور از پاسخ‌های نظرسنجی تیم‌های کشور صندوق بین‌المللی پول در ماه‌های مارس/آوریل و ژوئن/ژوئیه ۲۰۲۲ انجام شد، مورد بررسی قرار دادند. پیام سیاستی کلیدی این مطالعه این است که ارائه حمایت هدفمند از خانوارها در قالب پرداخت‌های نقدی، مقرون به‌صرفه‌ترین راه برای کاهش بار خانواده‌های آسیب‌پذیر می‌باشد و باید بر سازوکارهای گسترده‌ای که از انتقال قیمت‌های بین‌المللی به مصرف‌کنندگان داخلی جلوگیری می‌کند، ترجیح داده شود.

کستل و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله خود، تورم قیمت، دستمزد، بهره‌وری و بیکاری بریتانیا را با استفاده از چهار معادله اقتصادسنجی، مدل‌سازی کردند. تابع تولید نقش مهمی را برای نهاده‌های انرژی علاوه بر سرمایه و نیروی کار نشان داد. اگرچه معادله تورم قیمت تأثیر مستقیم کمی بر قیمت‌های انرژی نشان داد، افزایش قابل توجه قیمت‌های نفت و گاز که تا اواسط سال ۲۰۲۲ مشاهده شد، نیمی از افزایش قیمت را نشان داد. یافته‌ها حاکی از شواهد تجربی برای تعدیل غیرخطی دستمزدهای واقعی با تورم است: ماریپیج قیمت دستمزد زمانی شروع می‌شود که تورم از حدود ۶ تا ۸ درصد در روز فراتر رود. همچنین یک واکنش غیرخطی اضافی به بیکاری، مطابق با بیکاری غیر ارادی یافت شد. کاهش در دسترس بودن انرژی به‌طور هم‌زمان تولید را کاهش می‌دهد و تورم را تشدید می‌کند.

رادمهر و رستگاری (۲۰۲۰) در مطالعه خود از داده‌های ایران برای بررسی تأثیرات (کوتاه‌مدت و بلندمدت) نرخ ارز و قیمت انرژی بر قیمت مواد غذایی استفاده کردند. متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش قیمت ده محصول غذایی، نرخ ارز (ارزش ریال ایران به ازای هر

دلار آمریکا) و قیمت نفت بود. در این مطالعه تکنیک‌های تخمین (PMG)، گروه میانگین (MG) و اثرات ثابت پویا (DFE)، در پانل قیمت‌های ماهانه برای ده محصول غذایی برای دوره مارس ۱۹۹۵ تا فوریه ۲۰۱۸ به کار گرفته شده است. نتایج نشان داد که در کوتاه مدت و بلندمدت، قیمت مواد غذایی در واکنش به افزایش قیمت انرژی افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که افزایش ارزش دلار آمریکا بر حسب ریال ایران در بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر قیمت مواد غذایی دارد.

ساسمال^۹ (۲۰۱۵) در مقاله خود روند و علل تورم قیمت مواد غذایی در هند به صورت نظری و با کمک روش اقتصادسنجی را مورد بررسی قرار داد. وی با استفاده از یک مدل تعادل عمومی دو بخشی در چهارچوب مدل تجارت نشان داد که اگر تقاضا برای کالاهای کشاورزی به دلیل افزایش درآمد و سایر عوامل خارجی به میزان قابل توجهی افزایش یابد اما عرضه نتواند به طور متناسب زیاد شود، قیمت محصولات کشاورزی افزایش خواهد یافت. ساسمال نشان داد که افزایش درآمد سرانه به طور قابل توجهی تقاضا برای مواد غذایی را بالا برد، اما تولیدات کشاورزی نتوانست همگام با تقاضای رو به رشد باشد. نتایج اقتصادسنجی سری زمانی نیز نشان می‌دهد که افزایش درآمد سرانه و کمبود عرضه، عامل افزایش قیمت است. هیچ رابطه بلندمدتی بین عرضه پول و قیمت کالاهای کشاورزی وجود ندارد. افزایش مخارج عمومی و نرخ نامطلوب ارز تأثیرات زیادی بر قیمت مواد غذایی دارد، اگرچه نتایج آن قوی نیست.

دوروال و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله خود با استفاده از داده‌های ماهانه از ژانویه ۱۹۹۹ تا دسامبر ۲۰۰۹، مدل‌های تورم را برای شناسایی اهمیت عوامل مؤثر در تورم CPI و سه مؤلفه اصلی آن قیمت غلات، قیمت مواد غذایی و قیمت غیر خوراکی در اتیوپی برآورد کردند. یافته اصلی نشان داد که حرکت در قیمت‌های بین‌المللی مواد غذایی و کالاها که به ارز داخلی اندازه‌گیری می‌شوند، تحول بلندمدت قیمت‌های داخلی را تعیین می‌کنند. در کوتاه مدت، شوک‌های عرضه محصولات کشاورزی بر تورم مواد غذایی تأثیر گذاشتند و باعث انحرافات زیادی از روند بلندمدت قیمت شدند. آن‌ها همچنین نشان دادند که سیاست پولی با شوک‌های قیمتی مقابله کرد، اما رشد عرضه پول بر تورم کوتاه مدت قیمت غیر مواد غذایی تأثیر گذاشتند. نتایج نشان می‌دهد که هنگام تجزیه و تحلیل تورم در اقتصادهای در حال توسعه با سهم مواد

غذایی بزرگ در قیمت‌های مصرف‌کننده، قیمت‌های جهانی مواد غذایی و تولیدات کشاورزی داخلی باید در نظر گرفته شود. حذف این عوامل می‌تواند منجر به نتایج مغرضانه و تصمیمات نادرست سیاستی شود.

۲-۲-۲- مطالعات داخلی

شعبان‌زاده خوشرودی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر نوسان‌های نرخ ارز بر مصرف مواد غذایی در مناطق روستایی ایران» طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۴۰۰ و در قالب مدل پانل خودتوزیعی (خودتوضیح) با وقفه‌های گسترده (ARDL) به این نتیجه رسیدند که افزایش نوسان‌های نرخ ارز، مصرف خانوارها را در مناطق روستایی در کوتاه‌مدت و بلندمدت کاهش می‌دهد؛ همچنین، سیاست یارانه ارز ترجیحی، اگرچه بر مصرف خانوار اثر مثبت و معنی‌دار داشته، اما این تأثیر قابل توجه نبوده است. از سوی دیگر، بر اساس نتایج پژوهش، طی دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت، اثر شاخص قیمت گروه‌های غذایی بر مصرف مواد غذایی در مناطق روستایی ایران منفی و در مقابل، اثر افزایش درآمد خانوارها بر مصرف مواد غذایی در مناطق روستایی مثبت و معنی‌دار بود. درنهایت نیز جزء تصحیح خطا نشان داد که به دلیل سرعت پایین تعدیل، تأثیر شوک‌ها یا همان تکانه‌های ارزی بر قیمت مواد غذایی در اقتصاد ایران بسیار ماندگار است (نزدیک به دو سال). با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، با اجرای سیاست ارز ترجیحی، امکان دستیابی به هدف ثبات مصرف مواد غذایی فراهم نمی‌شود؛ ازاین‌رو، حذف آن و استفاده از سیاست‌های ارزی شناور مدیریت‌شده ضروری می‌نماید.

کنعانی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر نرخ ارز بر نوسانات قیمت مواد غذایی در ایران» از مدل‌های خانواده گارچ^{۱۰} بهره گرفته‌اند. داده‌های مورد نیاز برای مطالعه شامل قیمت مواد غذایی به صورت ماهانه در قالب شاخص قیمت PPI، نرخ ارز و نقدینگی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۵ جمع‌آوری شده است. یافته‌های مطالعه بیانگر آن است علامت ضریب متغیر رشد نرخ ارز در معادله واریانس شرطی مثبت بوده یعنی با افزایش نوسانات نرخ ارز، نوسانات قیمت مواد غذایی نیز افزایش می‌یابد. از آنجایی که قیمت مواد غذایی از عوامل مهم و تعیین‌کننده امنیت غذایی کشور بوده و رشد نرخ ارز اثر به‌سزایی در نوسان قیمت مواد غذایی دارد، توصیه شده است که در صورت کافی بودن موجودی ذخایر ارزی کشور، دولت همچنان با نرخ ارز ترجیحی اقدام به واردات اقلام

مواد غذایی ضروری مردم نماید تا قدرت خرید مردم روز به روز کمتر نشود. سالم و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود به بررسی و برآورد تأثیر عوامل گوناگون بر چندک‌های مختلف توزیع شاخص قیمت مواد غذایی با استفاده از رویکرد رگرسیونی کوانتایل پرداختند که توانایی شناسایی روابط غیرخطی را نیز دارد. در این مطالعه، اثر تغییرات متغیرهای کلان و سیاستی با تأکید بر ارزش افزوده بخش کشاورزی، نرخ ارز، حجم نقدینگی، شاخص قیمت جهانی مواد غذایی و شاخص حمایت دولتی بر شاخص قیمت مواد غذایی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۸ به صورت فصلی بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای شاخص قیمت جهانی مواد غذایی و نرخ ارز در تمام چندک‌های توزیعی، تأثیری مثبت، معنادار و نهایتاً غیرخطی بر شاخص قیمت مواد غذایی دارند. در حالی که ارزش افزوده بخش کشاورزی و شاخص حمایت دولتی به طور منفی، معنادار و غیرخطی بر متغیر وابسته تأثیرگذار بود. متغیر حجم نقدینگی در توزیع‌های پایین تورم مواد غذایی دارای بیشترین اثرگذاری بود که نشان از اثرگذاری بیشتر این متغیر نسبت به سایر متغیرها در تورم‌های پایین داشت.

ورهرامی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود با استفاده از مدل گارچ چندمتغیره در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ میلادی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر قیمت نفت پرداختند. نتایج حاصل نشان داد که علاوه بر نقش بورس‌های نفتی در قیمت نفت، عوامل دیگری از جمله شاخص دلار، موقعیت‌های خرید و فروش، کیفیت نفت خام، ساختار زمانی بازار و همین‌طور نوع نفت در قیمت تأثیرگذار است. تأثیر عواملی از جمله کیفیت نفت، شاخص بازار سرمایه، ساختار زمانی و موقعیت‌های خرید و فروش بر قیمت نفت خام مثبت است و عواملی نظیر شاخص دلار، نفت خام‌های رقیب، دارای تأثیر منفی بر قیمت نفت خام هستند.

جعفری صمیمی، فرج‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله خود به بررسی مهم‌ترین عوامل اقتصادی تعیین‌کننده شاخص قیمت مواد غذایی در ایران با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL) و داده‌های سری زمانی مربوط به سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۹۳ پرداختند. بر اساس نتایج به دست آمده، متغیرهای سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، درجه باز بودن تجاری و نرخ ارز حقیقی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر منفی و متغیرهای نقدینگی و تولید ناخالص داخلی بر شاخص قیمت مواد غذایی تأثیر مثبت داشته‌اند.

قهرمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) در پایان‌نامه با استفاده از متغیرهای پولی و مالی شامل حجم نقدینگی، نرخ واقعی ارز، نرخ سود بانکی، سطح دستمزدهای کشاورزی، درجه آزادی

تجاری و ارزش افزوده بخش کشاورزی و داده‌های سری زمانی بین سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۹۰ و به‌کارگیری تکنیک‌های سری زمانی مانند مدل خودتوضیح برداری (VAR)، مدل تصحیح خطای برداری (CPVECM) و آزمون همجمعی یوهانسن^{۱۱} به بررسی عوامل مؤثر بر افزایش قیمت مواد غذایی پرداختند. نتایج برآورد رابطه تعادلی بلندمدت نشان داد که قیمت مواد غذایی با حجم نقدینگی و نرخ واقعی ارز رابطه مثبت و معنی‌دار و با ارزش‌افزوده بخش کشاورزی و درجه آزادی تجاری رابطه منفی و معنی‌داری دارد. بعد از ارزش‌افزوده متغیر نرخ ارز واقعی بیشترین اثرگذاری را بر سطح قیمت مواد غذایی در بلندمدت داشت. پس از انجام آزمون برونزایی ضعیف یافته‌های تحقیق نشان داد که سه متغیر حجم نقدینگی، درجه آزادی تجاری و ارزش‌افزوده برونزای ضعیف مدل هستند، بنابراین مدل CPVECM برآورد شد که نتایج نشان داد که در کوتاه‌مدت تورم مواد غذایی با تورم دوره‌های قبل و با متغیر نرخ رشد ارز واقعی رابطه مثبت و با ارزش‌افزوده کشاورزی رابطه منفی و معنی‌داری دارد. از طرفی متغیرهای حجم نقدینگی و درجه آزادی در کوتاه‌مدت اثری بر تورم مواد غذایی نداشت.

۳- روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است و با روش توصیفی - تطبیقی انجام گرفته است. در این مطالعه، با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای، جهت کاهش اثرات منفی اجتماعی و اقتصادی ناشی از افزایش قیمت جهانی مواد غذایی و انرژی و به‌منظور شناسایی اقدامات قابل اجرا در ایران، اقدامات سیاستی در کشورهای منتخب شامل کشورهای غنی از منابع طبیعی و کشورهای فاقد منابع طبیعی و همچنین کشورهای منطقه خاورمیانه (ایران، ترکیه، امارات، آذربایجان، عراق، پاکستان، عمان) معرفی می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی^{۱۲} (DEFPA) صندوق بین‌المللی پول (۲۰۲۲) انجام شده است.

در پایگاه داده‌های مذکور، اقدامات سیاستی بر اساس نوع اقدام در واکنش به افزایش قیمت‌های انرژی و مواد غذایی در کشورهای مختلف در مجموع در چهار روش شامل مخارج، درآمد‌ها، غیرمالی (طبقه‌بندی سایر)، زیر خط (همراه با زیرمجموعه‌ها) آورده شده است (جدول ۱). بر این اساس هر اقدام سیاستی نیز خود شامل زیرمجموعه‌هایی از اقدامات سیاستی می‌باشد.

11. Johanson's Cointegration Test

12. Database of Energy and Food Price Actions (DEFPA)

جدول (۱): انواع مداخله/ زیرمجموعه‌ها/ توصیف اقدامات سیاستی

نوع اقدام	نوع زیرمجموعه اقدام	توصیف اقدام
مخارج	پرداخت یارانه به تولیدکنندگان انرژی ^{۱۳}	یارانه برای صنعت حمل و نقل
	پرداخت یارانه به تولیدکنندگان مواد غذایی ^{۱۴}	سوخوت معاف از مالیات برای کشاورزان
	پرداخت‌های نقدی	انتقال موقت نقدی به خانوارهای آسیب‌پذیر
	حقوق بازنشستگی	افزایش حقوق بازنشستگی
	پرداخت‌های شبه نقد (کوپن و تخفیف)	حمایت از هزینه‌های حمل و نقل عمومی
	سایر هزینه‌ها/ نامشخص	معرفی ذخیره غذایی
	سایر پرداخت‌های یارانه‌ای به همه شرکت‌ها	برنامه‌های کوپن سوخت
	انتقال غیرنقدی ^{۱۵}	
	دستمزد	اغلب شامل افزایش حداقل دستمزد
	محدودیت‌های صادرات	محدودیت صادرات کالاهای وارداتی
غیرمالی (طبقه‌بندی سایر)	سایر اقدامات غیرمالی	افزایش حداقل دستمزد
	ایجاد چسبندگی قیمت / تلاش جهت برقراری درجه عبور ناقص ^{۱۶}	گسترش طرح‌های قیمت معیار
	مالیات بر مصرف (CIT)	تعلیق افزایش مالیات بر شکر
	عوارض گمرکی (تعرفه واردات)	تعلیق عوارض گمرکی شکر
	مالیات بر ارزش افزوده / مالیات بر فروش	کاهش مالیات بر ارزش افزوده و عوارض گمرکی روغن خوراکی
	عوارض	کاهش عوارض بخش حمل و نقل
	مالیات بر درآمد شخصی	افزایش آستانه مالیات بر درآمد غیرمشمول مالیات برای حقوق‌بگیران
	سایر / درآمدهای نامشخص	
	درآمدهای غیر مالیاتی	
	سایر / مخارج نامشخص	
درآمدها	سایر یارانه‌ها به همه شرکت‌ها	کاهش تعرفه برق صنایع
	مالیات بر املاک	
	چسبندگی قیمت / تلاش جهت ایجاد برقراری درجه عبور ناقص	
	سایر / زیرخط	
زیرخط ^{۱۷}		

منبع: آماقوبلی و همکاران، ۲۰۲۳

13. (Price) Subsidies to energy companies

14. (Price) Subsidies to food companies

15. In-kind Transfer

16. Incomplete Pass Through

۱۷. اقدامات زیر خط به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که به جای هدف‌گذاری روی بخش وسیعی از افراد یا گروه‌ها، شامل بخش یا گروه خاصی می‌شود (مانند گروه‌های خاصی از افراد، بخش‌های مشخصی در یک صنعت و ...)

در این مطالعه به منظور شناسایی اقدامات قابل اجرا در کشور، با توجه به اینکه ایران نیز جزء کشورهای غنی از منابع طبیعی می‌باشد، به صورت مجزا به بررسی انواع روش‌های اقدام در کشورهای غنی از منابع طبیعی و مقایسه آن با سایر کشورها پرداخته شده است. علاوه بر این، مقایسه روش‌های اقدامات سیاستی کشورهای منطقه خاورمیانه با ایران نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. حاصل این تجربیات در یک نظام سیاست‌گذاری کارآمد می‌تواند منجر به بهینه کردن تصمیمات و اصلاح رویکردها و در نهایت پذیرش سازوکارهای معقول در مدیریت قیمت محصولات کشاورزی و انرژی شود.

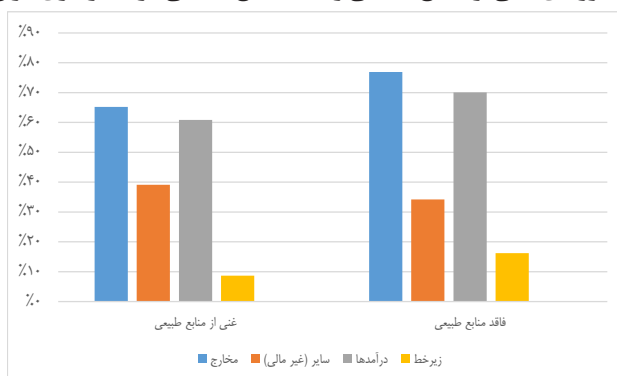
۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- مقایسه واکنش‌های سیاستی کشورهای دارای منابع طبیعی با سایر کشورها

آنچه مشخص است، درآمد کشورهای دارای منابع طبیعی نسبت به سایر کشورها متفاوت بوده و به تبع نوع مداخله در اقدامات سیاستی این کشورها نیز متفاوت خواهد بود. در این راستا با توجه به اینکه ایران نیز جزء کشورهای غنی از منابع طبیعی می‌باشد، در این بخش از مقاله به صورت مجزا به بررسی انواع روش‌های اقدام در کشورهای غنی از منابع طبیعی و مقایسه آن با سایر کشورها پرداخته خواهد شد.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که کشورهای فاقد منابع طبیعی در مقایسه با کشورهای غنی از منابع طبیعی، بیشتر تمایل به استفاده از اقدامات سیاستی در مواجهه با تورم مواد غذایی و انرژی داشته‌اند. در این میان و با توجه به آمارهای موجود، این دسته از کشورها سهم بالاتری در به کارگیری روش اقدام مخارج و درآمد دارند؛ به طوری که ۷۷ درصد کشورهای فاقد منابع طبیعی از روش مخارج و ۷۰ درصد از روش درآمد برای اقدامات سیاستی بهره برده‌اند. این در حالی است که سهم کشورهای غنی از منابع طبیعی در روش مخارج ۶۵ درصد و در روش درآمد ۶۱ درصد است (نمودار ۲).

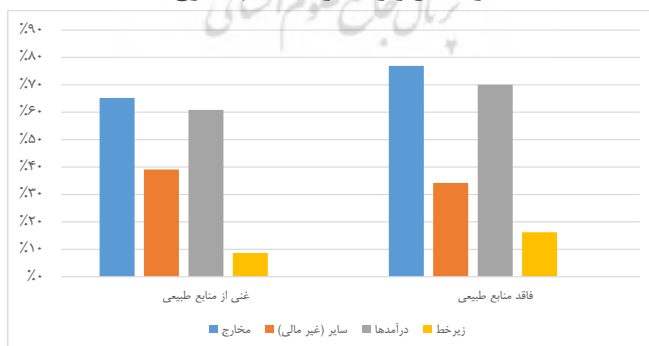
نمودار (۲): سهم کشورهای غنی از منابع طبیعی و فاقد منابع طبیعی در به کارگیری انواع روش‌های اقدام



منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

در این راستا، در کشورهای فاقد منابع طبیعی، در زیرمجموعه‌های مداخله مخارج، بیشترین اقدامات سیاستی مختص پرداخت‌های نقدی (۳۸ درصد) و پرداخت‌های شبه نقد (کوپن و تخفیف) (۳۲ درصد) است و در رتبه‌های بعدی یارانه به شرکت‌های تولیدکننده انرژی و سایر پرداخت‌های یارانه‌ای به تمام شرکت‌ها قرار دارد. باین حال در کشورهای غنی از منابع طبیعی، رایج‌ترین اقدامات، پرداخت یارانه به شرکت‌های تولیدکننده مواد غذایی و به دنبال آن پرداخت‌های شبه نقد (کوپن و تخفیف) است که سهم یکسانی (۳۰ درصد) را نیز به خود اختصاص داده‌اند. همچنین پایین‌ترین سهم در اقدامات سیاستی هر دو گروه کشورها مختص سایر هزینه‌ها/ نامشخص است (نمودار ۳).

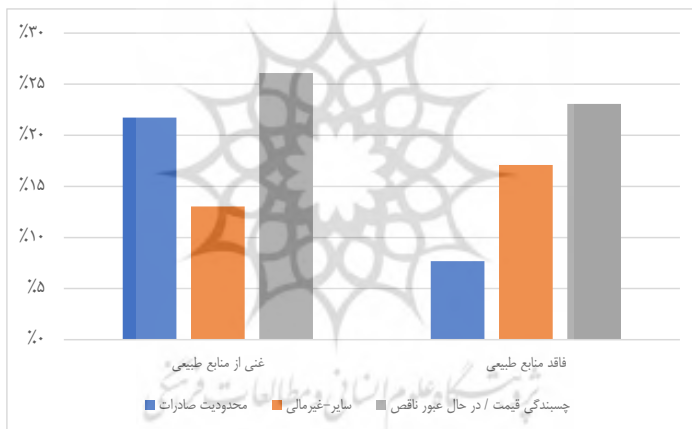
نمودار (۳): سهم کشورهای غنی از منابع طبیعی و فاقد منابع طبیعی بر اساس زیرمجموعه اقدام مخارج



منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

در زیرمجموعه اقدامات غیر مالی (طبقه‌بندی سایر) نیز ایجاد چسبندگی قیمت و یا به‌نوعی تثبیت قیمت‌ها راهکار مورد استفاده در کشورهای مختلف بوده است؛ به این صورت که کشورهای غنی از منابع طبیعی (۲۶ درصد) و فاقد منابع طبیعی (۲۳ درصد) نسبت به سایر اقدامات سیاستی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. با این حال در کشورهای غنی از منابع طبیعی در مقایسه با کشورهای فاقد منابع طبیعی، محدودیت صادرات (۲۲ درصد) پس از چسبندگی قیمت به‌عنوان اقدام سیاستی به کار گرفته شده است. این در حالی است که در کشورهای فاقد منابع طبیعی زیرمجموعه سایر (۱۷ درصد) پس از چسبندگی قیمت در اولویت قرار گرفته است (نمودار ۴).

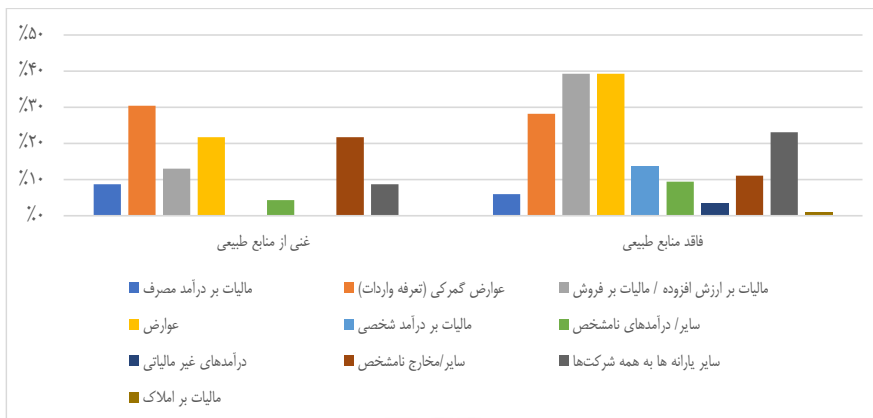
نمودار (۴): سهم کشورهای غنی از منابع طبیعی و فاقد منابع طبیعی بر اساس زیرمجموعه اقدام غیر مالی (طبقه‌بندی سایر)



منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

در مجموعه اقدام سیاستی درآمد نیز در کشورهای فاقد منابع طبیعی رایج‌ترین اقدام، عوارض (۳۹ درصد) و مالیات بر ارزش افزوده (۳۹ درصد) می‌باشد. در حالی که در کشورهای غنی از منابع طبیعی، عوارض گمرکی (۳۰ درصد) سپس عوارض و سایر هزینه‌ها/ نامشخص (۲۲ درصد) بر سایر اقدامات ترجیح داده شده است. در این میان مالیات بر املاک در هر دو گروه کشورها مورد توجه قرار نگرفته است (نمودار ۵).

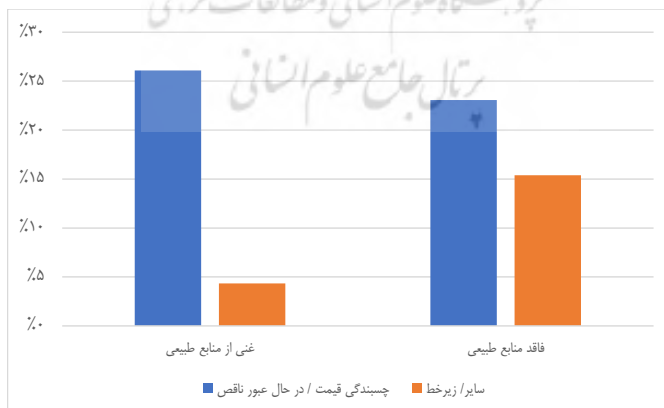
نمودار (۵): سهم کشورهای غنی از منابع طبیعی و فاقد منابع طبیعی بر اساس زیرمجموعه اقدام درآمد



منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

مقایسه کشورهای غنی از منابع طبیعی و فاقد منابع طبیعی بر اساس اقدام زیرخط نشان می دهد که در هر دو گروه چسبندگی قیمت به ترتیب با ۲۶ درصد و ۲۴ درصد بر سایر / زیرخط اقدام سیاستی ترجیح داده شده است. علاوه بر این، کشورهای فاقد منابع طبیعی زیرمجموعه سایر (۱۵ درصد) را نسبت به کشورهای غنی از منابع طبیعی (۴ درصد) بیشتر مورد توجه قرار داده اند (نمودار ۶).

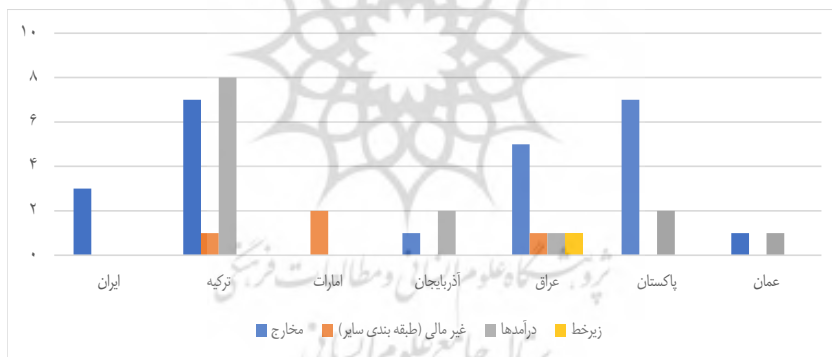
نمودار (۶): سهم کشورهای غنی از منابع طبیعی و فاقد منابع طبیعی بر اساس زیرمجموعه مداخله زیرخط



منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

۴-۲- مقایسه اقدامات سیاستی ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه (نوع اقدام و زیرمجموعه‌های آن) افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی در چند سال اخیر، بر منطقه خاورمیانه نیز اثرگذار بوده است. به‌طور نمونه یکی از حامل‌های انرژی که در جهش قیمت اخیر افزایش شدید را در بازارهای بین‌المللی تجربه کرد، گاز طبیعی بود که موجب افزایش قیمت برق در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای خاورمیانه گردید. این امر موجب گردید که برخی از کشورها در این منطقه به‌منظور حمایت از اقشار مختلف اقدامات سیاستی مختلفی اتخاذ نمایند. در میان این کشورها تنها کشور عراق از هر چهار روش مداخله (جدول ۱) استفاده کرده است. همچنین تمام کشورهای منطقه به‌جز امارات از اقدام مخارج به‌عنوان یک اقدام سیاستی در برنامه‌های خود استفاده نمودند. از این منظر، کشور ایران بعد از ترکیه و پاکستان و عراق در جایگاه چهارم قرار دارد و البته تنها کشوری است که تنها از این روش اقدام، بهره برده است. در کشور ترکیه نیز روش مداخله درآمد بر سایر روش‌ها اولویت داشته است (نمودار ۷).

نمودار (۷): مقایسه ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه در نوع مداخله اقدامات سیاستی



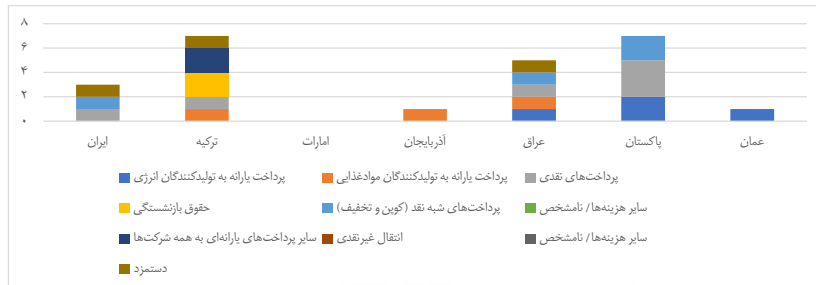
منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

در ایران علاوه بر روش دستمزد^{۱۸}، از پرداخت‌های غیر نقدی (کوپن و تخفیفات) و پرداخت‌های نقدی نیز به‌عنوان زیرمجموعه اقدام مخارج استفاده شده است. مقایسه ایران با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که دستمزد علاوه بر کشور ایران در کشورهای ترکیه و عراق نیز به‌عنوان اقدام سیاستی به‌کار گرفته شده است. در ترکیه سیاست‌های اتخاذ شده معطوف به حقوق بازنشستگی و انواع یارانه‌های پرداختی به شرکت‌ها بوده است (باید اشاره کرد که کشور ترکیه بیشترین تنوع در راهکارهای اتخاذ شده را در منطقه به خود اختصاص داده است). این

۱۸. افزایش حداقل دستمزد کارمندان دولت

در حالی است که در پاکستان، اعطای کوپن و تخفیفات و سپس راهکار پرداخت‌های نقدی و پرداخت یارانه به شرکت‌های تولیدکننده انرژی مهم‌ترین اقدامات در گروه مخارج را تشکیل داده است (نمودار ۸).

نمودار (۸): مقایسه ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه در زیرمجموعه‌های اقدام مخارج



منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

ایران و امارات در مقایسه با کشورهای منطقه، کشورهایی هستند که از روش مداخله درآمد استفاده نکرده‌اند. در مقابل، ترکیه از بیشتر زیرمجموعه‌های مداخله درآمد بهره برده است؛ به گونه‌ای که در آن کشور راهکار پرداخت یارانه به شرکت‌ها، مالیات بر درآمد شخصی، مالیات بر ارزش افزوده (مالیات بر فروش و مالیات بر مصرف) و همچنین از یک قاعده درآمدهای غیر مالیاتی و عوارض گمرکی مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به نمودار ۹ مشاهده می‌شود که مالیات بر ارزش افزوده رایج‌ترین اقدام سیاستی است که کشورهای ترکیه، آذربایجان، پاکستان و عمان به کار گرفته‌اند. از میان زیرمجموعه‌های مداخله درآمد، کشور پاکستان از عوارض و کشور عراق از عوارض گمرکی جهت اقدامات سیاستی بهره برده‌اند.

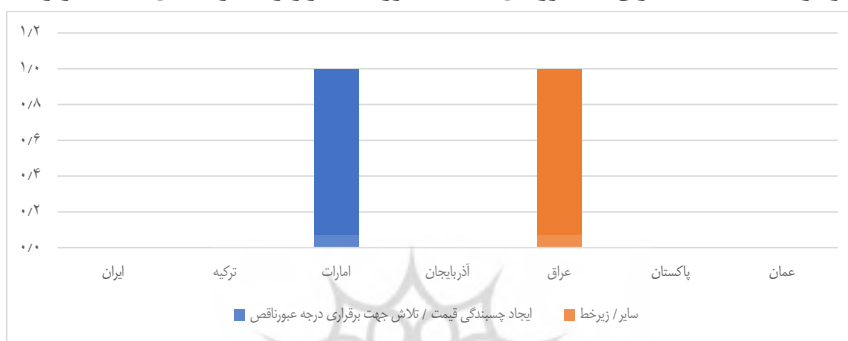
نمودار (۹): مقایسه ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه در زیرمجموعه‌های مداخله درآمد



منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

در طبقه‌بندی اقدامات زیر خط نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که در میان کشورهای منطقه خاورمیانه، امارات از روش ایجاد چسبندگی در قیمت و عراق از سایر روش‌ها در طبقه‌بندی اقدامات سیاستی زیر خط استفاده نموده‌اند؛ سایر کشورها از جمله ایران نیز از هیچ یک از روش‌های زیر خط بهره نبرده‌اند (نمودار ۱۰).

نمودار (۱۰): مقایسه ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه در زیرمجموعه‌های مداخله زیر خط



منبع: پایگاه داده اقدامات قیمت انرژی و مواد غذایی (DEFPA)

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

در سال‌های اخیر عوامل متعددی از جمله تغییرات اقلیمی، اختلال جریان عرضه کالا و خدمات به واسطه شیوع ویروس کرونا و پس از آن جنگ میان روسیه و اوکراین تولید و دسترسی به مواد غذایی را در برخی کشورهای جهان بسیار سخت و پیچیده کرده است. علاوه بر این، افزایش قیمت انرژی نیز به واسطه جنگ میان روسیه و اوکراین تشدید شده و این موضوع برای کشورهای واردکننده انرژی باعث ایجاد بحران هزینه‌های زندگی و همچنین تکانه قابل توجهی برای برخی کسب و کارها در کشورهای مختلف شده است. در این راستا، کشورها به منظور مواجهه با این اتفاقات، اقدامات سیاستی متفاوتی در پیش گرفته‌اند. با توجه به اهمیت این موضوع، در پژوهش حاضر اقدامات سیاستی کشورها در واکنش به افزایش قیمت‌های انرژی و مواد غذایی در کشورهای منتخب (کشورهای غنی از منابع طبیعی با سایر کشورها و همچنین کشورهای منطقه خاورمیانه با ایران) در قالب چهار اقدام سیاستی شامل مخارج، درآمدها، سایر (غیرمالی)، زیر خط (همراه با زیرمجموعه‌ها) مورد بررسی قرار گرفت.

مقایسه کشورهای غنی از منابع طبیعی با سایر کشورها نشان می‌دهد که کشورهای فاقد منابع طبیعی بیشتر تمایل به استفاده از اقدامات و پاسخ‌های سیاستی در مواجهه با چالش

افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی داشته‌اند. در این میان، هر دو دسته کشور از میان چهار روش مداخله، بیشتر از روش مداخله مخارج و درآمد استفاده نمودند؛ هرچند در کشورهای فاقد منابع طبیعی، روش‌های مبتنی بر مخارج سهم بیشتری داشته‌اند. یکی دیگر از نکات قابل توجه این است که در کشورهای فاقد منابع طبیعی در مقایسه با گروه دیگر، از میان اقدامات سیاستی مبتنی بر مخارج، بر خلاف باورهای عمومی سهم پرداخت‌های نقدی و یارانه‌ای بیشتر بوده است. در راهکار درآمدی نیز در کشورهای فاقد منابع طبیعی، سهم راهکارهای مالیاتی به مراتب بیش از کشورهای دارای منابع طبیعی بوده است. به نظر می‌رسد در کشورهای دارای منابع طبیعی تمرکز بیشتر بر راهکارهای عوارض گمرکی بوده است.

در این چهارچوب، مقایسه اقدامات سیاستی ایران با کشورهای منطقه نیز نتایج مهمی را به همراه داشت. در این کشورها تنها کشور عراق از هر چهار روش مداخله استفاده کرده است. همچنین تمام کشورهای منطقه به جز امارات از روش مداخله مخارج جهت بررسی اقدام سیاستی استفاده نمودند. از این منظر، کشور ایران بعد از ترکیه و پاکستان و عراق در جایگاه چهارم از نظر تنوع راهکارهای اتخاذ شده قرار گرفته است. در میان کشورهای مورد بررسی نیز بیشترین تنوع در اتخاذ راهکارهای سیاستی مبتنی بر مخارج مربوط به کشور ترکیه (۷ اقدام) و سپس عراق (۵ اقدام) بوده است. در ایران نیز تمرکز اقدام مخارج بیشتر متمرکز بر افزایش دستمزدها و پرداخت‌های نقدی و غیر نقد بوده است. در این میان توجه خاص به وضعیت بازنشستگان از تفاوت‌های اصلی ایران با ترکیه است.

از دیگر نکات قابل توجه در مطالعه انجام‌شده، اقدام سیاستی مبتنی بر درآمد در میان کشورهای منطقه بود. به این صورت که ایران و امارات در برنامه‌های حمایتی خود از این راهکار استفاده‌ای نکرده‌اند. در میان کشورهای منطقه، ترکیه با ده اقدام بیشترین تنوع اتخاذ اقدام درآمدی را داشته است. از جمله مهم‌ترین اقدامات اتخاذ شده توسط این کشور می‌توان به کاهش یا به تعویق انداختن انواع مالیات‌ها اشاره کرد.

بخش کشاورزی ایران به دلیل مسائل تغییرات اقلیمی و عدم سرمایه‌گذاری لازم در این بخش با چالش‌های بسیار زیادی مواجه است. به‌طور نمونه در برخی سال‌ها بیش از ۱۰ میلیارد دلار از واردات ایران به واردات روغن خام و نهاده‌های دامی مانند ذرت، جو و کنجاله اختصاص می‌یابد. از این‌رو، هرگونه تنش و بحران اقتصادی و سیاسی (مانند بحران روسیه و اوکراین) از طریق کاهش عرضه محصولات در کل دنیا و افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی

به افزایش هزینه‌های تولید محصولات غذایی در داخل کشور منجر می‌شود. در سال‌های اخیر علاوه بر مشکلات جهانی، متأثر از تحریم‌های اقتصادی ایران، هزینه‌های تولید به‌خصوص در تولیدات کشاورزی به‌شدت افزایش یافته و این افزایش هزینه که منجر به افزایش قیمت کالاهای کشاورزی شده، در کنار کاهش محسوس و آشکار قدرت خرید خانوار، هزینه‌های زیادی را به سلامت خانوار، ثبات اجتماعی و میزان رضایت عمومی وارد کرده و می‌کند. طبیعی است که حل عوامل اصلی افزایش هزینه‌های تولید، وابسته به تغییر رویکردها و سیاست‌های بلندمدت است. به‌طور نمونه در دهه‌های گذشته ابزارهای حمایتی بسیاری هم در طرف عرضه و هم در طرف تقاضا در ایران به کار گرفته شده است؛ از جمله حمایت از تولید شیر (سیاست خرید تضمینی شیر، توزیع یارانه‌ای آن در مدارس و خانوارها، اتخاذ تعرفه‌های تجاری مؤثر، پرداخت یارانه تسهیلات برای سرمایه‌گذاری در بخش بیمه دام، کنترل آفات و بیماری‌ها و ایجاد زیرساخت‌ها در کشور) که بخشی از سیاست‌های حمایتی دولت بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی از این سیاست‌ها به‌طور مقطعی تأثیرگذار بوده‌اند اما در بلندمدت رشد قیمت‌های مواد غذایی مشاهده می‌شود. از این‌رو لازم است برای کاهش اثرات بحران غذا بحث امنیت غذایی در مباحث اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی هر چه بیشتر با رعایت موارد زیر، مورد توجه قرار گیرد:

- عدم قیمت‌گذاری دستوری و تشویق به سرمایه‌گذاری در این بخش؛
- اعطای یارانه به بخش تولید و مصرف به‌عنوان سیاست حمایتی کوتاه‌مدت (استفاده از سبد سیاست‌گذاری حمایتی می‌تواند در کوتاه‌مدت از مصرف‌کننده نهایی حمایت کند اما نباید همه حلقه‌های زنجیره غذایی را با یارانه حمایت کرد)؛
- اعطای انواع تخفیف‌های مالیاتی به خانوار و بخش تولید به‌عنوان یک سیاست مقطعی و کوتاه‌مدت؛
- کاهش موقت در تعرفه گمرکی ورود برخی اقلام کشاورزی و مواد غذایی با اهداف کاهش هزینه‌های تولید؛
- اتخاذ سیاست‌های حمایتی از بازنشستگان از جمله حقوق بازنشستگی و در صورت لزوم افزایش پرداخت کمک‌هزینه‌های اجتماعی برای اقشار کم‌درآمد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

حامی مالی

این مقاله با حمایت مالی پژوهشکده امور اقتصادی، به منظور ارائه در همایش ملی اقتصاد ایران تهیه شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Amaglobeli, D., Gu, M., Hanedar, E., Hong, G., & Thévenot, C. (2023). Policy Responses to High Energy and Food Prices. IMF Working Papers Fiscal Affairs Department.
- Castle, J.L., Hendry, D.F., & Martinez, A.B. (2022). The Historical Role of Energy in UK Inflation and Productivity and Implications for Price Inflation in 2022. Working Papers 2022-001, The George Washington University, Department of Economics, H. O. Stekler Research Program on Forecasting.
- Durevall, D., Loening, J.L., & Ayalew Birru, Y. (2013). Inflation Dynamics and Food Prices in Ethiopia. *Journal of Development Economics*, 104, 89–106.
- Ghahramanzadeh, M., Pish Bahar. I., Dashti. Q., & Hasanpour, M. (2012). Analysis of Factors Affecting the Increase in Food Prices in Iran. Master's Thesis, Faculty of Agricultural Sciences, Tabriz University. (In Persian)
- Iddrisu, A.A., & Alagidede, I.P. (2020). Monetary Policy and Food Inflation in South Africa: A Quantile Regression Analysis. *Food Policy*, 91, 101816.
- Ivanic, M., & Martin, W. (2014). Implications of Domestic Price Insulation for Global Food Price Behavior. *Journal of International Money and Finance*, 42, 272–288.
- Jafari Samimi, A., & farajzade, Z. (2019). Factors Affecting Food Price Index in Iran. *Agricultural Economics Research*, 11(41), 1-16. (In Persian)
- Kanani, S., Kahramanzadeh, M., & Dashti, Q. (2021). Investigating the Effect of Exchange Rate on Food Price Fluctuations in Iran. 12th National Specialized Conference on Agricultural Economics, Sanandaj. <https://civilica.com/doc/1798454>. (In Persian)
- Laborde, D., Lakatos, C., & Martin, W.J. (2019). Poverty Impact of Food Price Shocks and Policies. World Bank Policy Research Working Paper, 8724.
- Parker, M. (2017). Global Inflation: the Role of Food, Housing and Energy Prices, European Central Bank, Working Paper Series.
- Radmehr, R., & Rastegari Henneberry, Sh. (2020). Energy Price Policies and Food Prices: Empirical Evidence from Iran. *Energies*, 13(15), 1-15. <https://doi.org/10.3390/en13154031>.
- Sasmal, J. (2015). Food price inflation in India: The Growing Economy with

- Sluggish Agriculture. *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*, 20, 30–40.
- Salem, A.A., Mohajeri, P., & Hamidi Farahani, A. (2021). Determinants of Food Price Index in Iran: A Quantile Regression Approach. *Financial and Economic Policy Quarterly*, 9(35), 71–107. (In Persian)
- Shabanzade khoshrody, M., Javdan, E., & Rafaty, M. (2023). Investigating the Effect of Exchange Rate Fluctuations on Food Consumption in Rural Areas of Iran. *Agricultural economics and development*, 31(3), 59-88.
- Varahrami, V., Rezavi, S. A., & Yavari Mehr, K. (2020). Modeling the Factors Affecting the Behavior of Iran's Oil Price in the Northwest Europe market. <https://civilica.com/doc/1639607>. (In Persian)

